Construction of women›s social identity in the act of pilgrimage. (case study of Arbaeen walk)

Zahra abyar [1]

Abstract

Social identity is one of the most prominent layers of identity that a person creates continuously and everyday and supports in his reflective activities. This identity expresses the characteristics that connect the individual or group to the society and is formed in the dialectical encounter between the individual and the society, in a sense, identity is the self that a person creates. Talking about women›s social identity is one of the important topics today, which is influenced by various factors. Attending pilgrimages and trips such as the Arbaeen walk is one of these situations that is related to social identity. That is, pilgrimage is the field through which women take action and build their social identity. «Women›s Pilgrimage» is a special type of pilgrimage that is considered due to environmental and cultural elements, the reasons for doing the action by activists, functions, damages, consequences, application, etc and even today, this type of pilgrimage is more welcomed and increased by women than in the past. Due to the importance of this issue, in this research, the construction of women›s social identity in Arbaeen walking was discussed with the phenomenological method. It was found that women pilgrims during the Arbaeen pilgrimage build their social identity through «self-suspension», «seeking legitimacy from the subjectivity of women in Shia history» and «legitimate absence from the official space» and «agency and emerging life». The act of pilgrimage removes women pilgrims from stereotyped environments and traditional structures and places them in a specific time and place without predetermined boundaries. Also, by looking at the subjectivity of women in Shia history and identifying with the prisoners of the Karbala caravan, they are freed from their objectivity and experience their subjectivity in the form of a new identity. In the act of Arbaeen walking, the woman has revised her previous beliefs about ability and she experiences herself as an agency in the emergence, and as a result of this action, the Arbaeen walk is considered a rethinking factor.

Key words: social identity, women, Arbaeen walk, act of pilgrimage., Sassani.

1. PhD in religious studies
abyar.z114@gmail.com

فصل نامه علمی مطالعات بقاع و اماکن متبرکه
العالم الاول | العدد ١ | الربيع ١٤٤٥

تاثير الزياره في بناء الهويه الاجتماعيه للمرأه (دراسه المشايه في زياره الاربعين)

زهرا آبيار[١]

الخلاصه

تعتبر الهويه الاجتماعيه من أبرز مستويات الهويه التي يصنعها الإنسان بشكل مستمر و كل يوم و تدعمها في أنشطته الحياتيه. و تعبر هذه الهويه عن الخصائص التي تربط الفرد أو الجماعه بالمجتمع و تتشكل في اللقاء الجدلي بين الفرد و المجتمع؛ و بتعبير آخر فان الهويه هي الذات التي يخلقها الشخص. يعد الحديث عن الهويه الاجتماعيه للمرأه من المواضيع المهمه اليوم و التي تتأثر بعوامل مختلفه. إن الحضور في اماكن الزياره و المراسيم مثل مسيره الأربعين هو أحد هذه المواقف المرتبطه بالهويه الاجتماعيه؛ أي أن الزياره هي المجال الذي من خلاله تتحرك المرأه و تبني هويتها الاجتماعيه. "الزياره النسائيه" هي نوع خاص من الزياره التي يتم اعتمادها بواسطه المؤثرات البيئيه و الثقافيه، و حسب تصرفات الناشطين، الوظائف، الأضرار، العواقب و التطبيقات، و ما إلى ذلك، و اليوم أصبح هذا النوع من الزياره موضع ترحيب أكثر فأكثر. ولقي اقبالاً متزايداً من قبل الجانب النسوي.و نظرا لأهميه هذه القضيه فقد تم في هذا البحث مناقشه بناء الهويه الاجتماعيه للمرأه في مسيره الأربعين حسب منهج علم الظواهر(الفينومينولوجي). و ظهر أن النساء الزائرات يبنين هويتهن الاجتماعيه من خلال "التعليق الذاتي"، و"البحث عن الشرعيه من ذاتيه المرأه في التاريخ الشيعي"، و" الغياب المشروع عن الفضاء الرسمي"، و"الفاعليه و الظهور في الحياه العامه". إن فعل الزياره يخرج الزائرات من البيئات النمطيه و الاسلوب التقليدي للحياه و يضعهن في زمان و مكان محددين دون حدود مقرره سلفا. كما أنه من خلال النظر إلى ذاتيه المرأه في تاريخ الشيعه و معايشه حاله اسيرات قافله كربلاء، تتحرر من ذاتيتها وتختبر ذاتيتها في شكل هويه جديده. في مشيه الأربعين، قامت النساء بمراجعه معتقداتهن السابقه حول القابليه و القدره و تجربه أنفسهن كعوامل في الظهور، ونتيجه لهذا الفعل، تعتبر مشيه الأربعين عامل إعاده تفكير.

الكلمات المفتاحيه: الهويه الاجتماعيه، النساء، مشيه الأربعين، الزياره.

١. دكتوراه في الدراسات الدينيه
abyar.z114@gmail.com

برساخت هویت اجتماعی زنان در کنش زیارت (موردمطالعه پیاده‌روی اربعین)

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

زهرا آبیار[۱]

چکیده

هویت اجتماعی یکی از برجسته‌ترین لایه هویت است که فرد آن را به‌طور مدام و روزمره ایجاد می‌کند و در فعالیت‌های بازتابی خود مورد حمایت و پشتیبانی قرار می‌دهد. این هویت بیانگر خصوصیاتی است که فرد یا گروه را به اجتماع پیوند می‌زند و در مواجهه دیالکتیکی فرد و جامعه شکل می‌گیرد؛ به تعبیری هویت همان خود است که فرد آن را بر می‌سازد. سخن از هویت اجتماعی زنان، امروزه یکی از مباحث مهمی است که عوامل مختلفی در شکل‌گیری آن دخیل است. حضور در زیارتگاه‌ها و سفرهایی چون پیاده‌روی اربعین یکی از این موقعیت‌هاست که باهویت اجتماعی در ارتباط است؛ یعنی زیارت عرصه‌ای است که زنان از طریق آن دست به کنش می‌زنند و هویت اجتماعی خود را برساخت می‌کنند. «زیارت زنانه» سنخ خاصی از زیارت است که به‌واسطه عناصر محیطی، فرهنگی، دلایل انجام کنش توسط کنشگران، کارکردها، آسیب‌ها، پیامدها، کاربست و.. موردتوجه قرار می‌گیرد و امروزه نیز این نوع زیارت بیش‌ازپیش مورد استقبال و فزونی از سوی قشر زنان واقع گردیده است. نظر به اهمیت این مسئله، در این پژوهش با روش پدیدارشناسی به برساخت هویت اجتماعی زنان در کنش پیاده‌روی اربعین پرداخته شد. چنین به دست آمد که زنان زائر در سفر پیاده‌روی اربعین هویت اجتماعی خود را از طریق «خود تعلیقی»، «مشروعیت جستن از سوژگی زنان تاریخ شیعه» و «غیبت مشروع از فضای رسمی» و «عاملیت و زندگی در ظهور» برساخته می‌کنند. کنش زیارت، زنان زائر را از محیط‌های کلیشه‌ای و ساختارهای سنتی برکنده و آنان را در زمان و مکانی خاص بدون مرزبندی‌های از پیش تعیین شده قرار می‌دهد. آنان همچنین با تأسی به سوژگی زنان تاریخ شیعه و هم‌ذات‌پنداری با اسرای کاروان کربلا، از ویژگی خود دوره شده و سوژگی خود را در قالب هویتی تازه تجربه می‌کنند. زنان در کنش پیاده‌روی اربعین، باور داشته‌های پیشین خود را از قابلیت و توانایی مورد بازنگری قرار داده خود را عاملیتی در ظهور تجربه می‌کند که در اثر این کنش، پیاده‌روی اربعین عامل بازاندیشی محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دوران اسلامی، مناره، قرآن، احادیث، مسجد

۱. دکتری دین‌پژوهی
abyar.z114@gmail.com

فصل نامه علمی مطالعات بقاع و اماکن متبرکه

مقدمه

مسئله هویت امروزه بخش عمده‌ای از مناقشات دانشمندان علوم اجتماعی، سیاسی و تربیتی را به خود اختصاص داده است. هویت متأثر از تحولات و جریان‌های پیرامونی است؛ به تعبیر برگرو لوکمان هویت از دیالکتیک بین فرد و جامعه (برگر و لوکمان، ۱۳۷۵: ۱۴) تشکیل می‌شود. هویت در این حالت، دارای اساسی اجتماعی بوده در تعاملات اجتماعی به طور مدام در حال بازیابی است؛ بنابراین هویت چیزی است که بر سر آن کشاکش درمی‌گیرد و به‌واسطه آن ترفندهایش پیش برده می‌شود. هویت اجتماعی دستاورد عملی؛ یعنی یک فرایند است و هویت‌های اجتماعی، فردی و جمعی را می‌توان به کمک دیالکتیک درونی و برونی فهم کرد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۴).

هویت زنان از مجموع هویت‌های اجتماعی و هویت شخصی آن‌ها تشکیل می‌شود. هویت اجتماعی تعریفی است که فرد از خودش بر اساس عضویت در رده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی می‌کند و هویت شخصی به تعریف بازاندیشانه فرد از خودش اطلاق می‌شود. خود و تعریفی که فرد از خودش می‌کند؛ یعنی هویت، شخصی هویتی بنیادی و الگویی برای فهم همه هویت‌های بعدی است شاخساری برای پیوند زدن آن هویت‌ها است و جنسیت مهم‌ترین عاملی است که به تجربه فرد سامان می‌دهد و آن را در خویشتن ادغام می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸۴)؛ بنابراین خویشتنی که مهم‌ترین وجه هویت فردی است دربرگیرنده خود و تجربه‌های زندگی است و جنسیت از مؤلفه‌های مهم خویشتنی است. بسیاری از رده‌بندی‌ها و گروه‌بندی‌های نهادی بر اساس جنسیت صورت می‌گیرد. جنسیت فرصت‌ها و تجربیات زندگی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۰۲).

معمولاً افراد و به‌ویژه زنان نقش‌های اجتماعی متعددی را به عهده دارند که تابع عضویت آن‌ها در نهادها و گروه‌های گوناگون است و هرکدام و جهی از هویت آن‌ها را می‌سازد؛ اما برخی از این نقش‌ها و هویت‌ها وزن و اهمیت بیشتری برای آن‌ها دارد. هویت اجتماعی غالب یا هویت نقشی مسلط همانی است که ارزش و اهمیت بیشتری برای او دارد و غالب اوقات فرد خود را با آن نقش و هویت تعریف می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۶۰)

به‌علاوه هویتی که برای بازنمایی خود مورداستفاده قرار می‌گیرد با تجربیات ارزش‌ها و نگرش‌ها انتظارات، اهداف، نیازهای جاری و دانش پس‌زمینه‌ای فرد در ارتباط است. خودی که در موقعیت‌های واقعی نمود می‌یابد، یا خود موقعیت یافته نسبتاً سیال و تغییرپذیر است؛ یعنی دارای ترجیحاتی تغییرپذیر است، اما خود آرمانی پایدارتر است؛ بنابراین خود آرمانی شخص که مبتنی بر ارزش‌ها و نگرش‌های او است هم در هویت نقشی مسلط و هم در هویت شخصی نفوذ دارد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۰۲). حضور در زیارتگاه‌ها و سفرهایی چون پیاده‌روی اربعین یکی از این موقعیت‌هاست که باهویت اجتماعی در ارتباط است.

زیارت قصد و میل و اراده به‌سوی مظهر و تجلیات امر قدسی است (طالبی و علی‌پور، ۱۳۹۱: ۴) همچنین زیارت سفری در جستجوی یک تجربه است که بر زندگی معنوی و روانی فرد تأثیر می‌گذارد (فولادی و نوروزی، ۱۳۹۴: ۱۰) و زائران کسانی هستند که در پی تکامل و روشنی با قطب نمای روحشان از سرزمین‌های غریب به‌سوی هدفشان حرکت می‌کنند (فولادی و نوروزی، ۱۳۹۴: ۲۹). الیاده معتقد است که با تقلیل پدیده‌های مذهبی به واقعیت‌های اجتماعی یا روان‌شناختی،

نمی‌توان این پدیده‌ها را فهمید و پدیده‌های مذهبی را باید به همان صورت بازشناخت که خود را در تجربه انسان‌ها از امر مقدس نشان می‌دهد و لذا هر پدیده مذهبی (چون زیارت) بیانی است از این تجربه و امر مقدس قابل‌تقلیل نیست (همیلتون، ۱۳۸۷: ۱۵). واخ نیز دین و تجربه دینی را یک تجربه قدسی می‌داند (واخ، ۱۳۸۹: ۳۱). برگر اجرای مناسک (ازجمله زیارت) را در ارتباط نزدیک با تکرار الگوهای مقدس می‌داند که بار دیگر نام‌ها و کارهای خدایان را حاضر می‌سازد (برگر، ۱۳۷۹: ۸۱). ازاین‌رو دلیل اینکه افراد به زیارت چهره‌های علمی و معنوی می‌روند یا زائر اماکن عالیه و مشاهده مشرفه می‌شوند این است که از اعتبار، قدسیت و... بهره‌مند گردند (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۰: ۵۹) علاوه بر این جنبه اصلی زیارت زائران مفهوم مقدس است و اینکه زیارت نقش مهمی در جستجوی افراد برای این معنی تلقی می‌شود (ورشوی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۷).

در اندیشه اسلامی نیز امر قدسی و زیارت جایگاه ویژه‌ای دارد. برای انسان دین‌دار در هر عصری برخی از زمان‌ها و مکان‌ها متفاوت و متمایزند؛ یعنی همچنان که یک فرد مثل دیگران است با مبعوث شدن به رسالت، واجب‌الاطاعه می‌شود و موقعیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، یک قطعه زمین هم در اصل، با زمین دیگر تفاوتی ندارد، اما وقتی در آن پیامبر یا ولی خدا دفن می‌شود به‌واسطه آن، شرافت و فضیلت و برکتی پیدا می‌کند که از قبل نداشته است؛ ازاین‌رو احترامش لازم و اهانتش حرام می‌گردد (امین، ۱۳۸۶: ۱۰۸) زیارت آن مکان مقدسی و قدم‌نهادن در مسیر به سمت آن، مصداقی از احترام به آن ذات مقدس است.

همچنین زیارت نوعی کنش دینی است که در درون خود جلوه‌هایی از هر سه بعد دین‌داری فرد را (اعتقادات، باورهای دینی، اعمال دینی، عواطف و تجربه دینی) به نمایش می‌گذارد (پویا فر، ۱۹۸: ۱۴). زیارتگاه‌ها به‌عنوان یکی از عناصر دینی - اجتماعی - فرهنگی یک قوم یا ملت به شمار می‌روند که پیامدهای گوناگونی را برای جامعه دارند. این اماکن جای بروز رفتارهای فرهنگی ویژه به خود نیز هستند (قبادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱).

نظر به اینکه زیارت امری مشترک بین زنان و مردان است مختصات زنانگی در کنار این کنش، اهمیت آن را دوچندان می‌کند. نوعاً زیارت زنانه به مجموعه اعمال و رفتاری گفته می‌شود که در ارتباط با باورها و عقاید مذهبی در قالب انجام مراسم و آیین‌های خاصی انجام یا مثلاً در ایام ویژه‌ای تکرار گشته یا در مکان ویژه‌ای مثل امامزاده واقع می‌گردد که به‌نوعی جماعت واره یا کامیبو لیناس شبیه است همان بیانی که ترنر نقطه کانونی تجربه زیارت می‌داند و زیارت را به یک پدیده آستانای بدل می‌کند همچنان که وی برای روشن‌کردن حوزه مفهومی خود ابتدا با یک مطالعه کارکردگرایانه درباره شبکه خویشاوندی مادرسری (Matrilineal kinship) در میان اقوام موردمطالعه‌اش پرداخت و مجموعه تحلیل‌هایش را از تأثیرات شگرفت آرای دینی بومی جوامع مادر گرا (Matrifocal) و جوامعی که در آن زن و فرزندانش واحدهای اجتماعی مسلط‌اند، به عاریه گرفت. او سه مفهوم جدایی (separation)، حاشیه‌نشینی یا آستانای (Liminality or marginality) و پیوند (Aggregation) را در انواع آیین‌ها بیان نمود که البته از نگاه او زیارت نیز نوعی آیین به شمار می‌رود، چراکه در آن کنشگران و مشارکت‌کنندگان از موقعیت اختصاصی و نقش‌های سلسله‌مراتبی خود پراکنده‌شده و به مساوات در تجربه‌ای همانند (مثل زیارت زنانه) شریک می‌گردند. ایشان در یک مکان یا همان جماعت

وار (ترنر) که در آن روابط مستقیم، واقعی، غیرعقلانی و هستی‌گرایانه است و در بین زنان به‌وفور دیده می‌شود، خالی از توجه نیست (گیویان، ۱۳۹۰: ۷۹-۸۰). درواقع بااین‌وجود هویداست که کنشگران در زمان زیارت، همان‌طور که مردم در هنگام وقوع موقعیت‌های خطیر زندگی از ساختارهای اجتماعی و نقش‌های زندگی روزمره کنده می‌شوند و درمی‌گذرند، زائران هم در هنگام زیارت از قیدوبندهای ساختارمند و زمانمند به یک‌جور مساوات و درک تجربه مشترک دست پیدا می‌کنند (همان).

زیارت زنان یا به تعبیری «زیارت زنانه» زیارتی است که زائران با ویژگی‌ها، نیازها، مناسک و روش‌های زنانه انجام می‌دهند. هویتی مستقل در زیارت بافرهنگ زیارتی ویژه در کنار فرزندان، دوستان و آشنایان را رقم می‌زنند؛ هرچند وجود چنین عنوانی به‌قصد تفکیک جنسیتی مدنظر نیست، لیکن تنها دلیل نام بردن از «زیارت زنانه» بیان یک سنخ خاصی از زیارت است که به‌واسطه عناصر محیطی، فرهنگی، دلایل انجام کنش توسط کنشگران، کارکردها، آسیب‌ها، پیامدها، کاربست و.. موردتوجه قرار می‌گیرد و امروزه نیز این نوع زیارت بیش‌ازپیش مورد استقبال و فزونی از سوی قشر زنان واقع گردیده است.

پیاده‌روی اربعین یک مراسم مذهبی و معنوی است که هرساله میلیون‌ها نفر، ازجمله زنان، به سمت کربلا در عراق سفر می‌کنند. برای زنانی که در این سفر شرکت می‌کنند، این تجربه می‌تواند یک فرصت برای بازیابی هویت و نزدیک‌تر شدن به اعتقادات و ارزش‌های خود باشد. زنان می‌توانند بامطالعه و بررسی عمیق‌تر درباره معانی و مفاهیم مذهبی مراسم اربعین، هویت خود را بازیابی کنند. درک عمیق‌تر از اعتقادات و معتقدات مذهبی می‌تواند احساس ارتباط بیشتری با دین و هویت مذهبی به همراه داشته باشد. با توجه به اینکه کنش زیارت اربعین، حضور گستردهای در چند سال اخیر در زندگی ایرانیان داشته می‌توان گفت به جزئی از عناصر هویتی آنان تبدیل‌شده است. این کنش از زاویه زنان و نقشی که در هویت‌بخش زنان دارد موردمطالعه قرار خواهد گرفت

۱- پیشینه پژوهش

ساروخانی و رفعت جاه (۱۳۸۳) در مقاله «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی» به این نتیجه رسیده است که در میان عوامل مختلف، تحصیلات و پس از آن ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک زندگی بیشترین تأثیر را در بازتعریف هویت اجتماعی زنان داشته است.

مهری (۱۳۸۲) در مقاله «نذر و هویت اجتماعی» به این نتیجه رسیده است که باملاحظه طبقه اجتماعی، مکان، زمان، جنسیت و موقعیت اجتماعی و فرهنگی زنان و مردان، استفاده متفاوت از نذورات برای این گروه اجتماعی، هویت آفرین است.

عموزاده و اسفندیاری (۱۳۹۱) در مقاله «بازنمون هویت اجتماعی در رسانه، بررسی روند تغییرات هویت اجتماعی زنان در سینمای پس از انقلاب» به این نتیجه رسیده است که تغییرات اجتماعی با روند روبه‌رشدی در زمینه ارائه تصویر فرهنگی پیشرفته‌تر از زنانگی در سینمای ایران همراه بوده است

بوربور و تاجیک اسماعیلی (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل وضعیت هویت اجتماعی زنان شهر تهران بر اساس استفاده از رسانه‌های اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای» چنین نتیجه گرفته است که میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در تبیین هویت اجتماعی زنان دود ۳ درصد نقش داشته و ۲ درصد

به هویت اجتماعی زنان اضافه کرده است.

اثنی‌عشران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی انسان‌شناسی پدیده زیارت زنانه (مطالعه موردی امامزاده محسن بن موسی بن جعفر)» به این نتیجه رسیده است که پدیده زیارت زنانه نوعی خاص از کنش مذهبی است که عوامل محیطی، فرهنگی و بنیادهای نظری بیش‌ازپیش این کنش را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و منجر به شکل خاصی از زیارت زنانه می‌شود. همچنین زائران زن نه‌تنها از افق مذهب به این پدیده می‌نگرند؛ بلکه از افق سیاحت و تفریح و گذران اوقات فراغت نیز از آن بهره می‌گیرند.

رضوی زاده (۱۳۹۶) در مقاله «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق» کدهای تجربه تعلیق امر مادی، رنج مقدس به‌مثابه مولد معنا و برانگیزانندگی عاطفی مناسک جمعی زیارت را برساخته کرده است.

کرمی قهی (۱۳۹۹) نیز در مقاله «فهم تجربه پیاده‌روی زنان ایرانی در اربعین» به این نتیجه رسیده است که ملال روزمره و رهایی از دل‌زدگی‌های زندگی مدرن، لذت رنج مقدس و خودخواسته، حافظه تاریخی جنگ و سیالیت معنای بدن، از سوژگی زنانه در تاریخ تا گذر از ابژگی روزمره و اشراق معنوی زائر و تغییر رفتار از خودخواهانه و عادتی به دگرخواهانه، در فرایند سوژگی زنانه به ساخت خود فردی‌اش در قالب فردیتی چندپاره می‌پردازد. زن زائر با شبیه‌سازی تجربه خود در راهپیمایی اربعین با رویداد مصیبت‌بار عاشورا و وقایع پس از آن، در فرایند دوگانه ساخت شکنی/ ساخت دوباره خود، با بازاندیشی انتقادی از استریو تیپ‌های جنسیتی برساخت شده در گفتمان رسمی جامعه ایرانی، خود زنان‌هاش را در قالب تصویر سوژهای فعال بازمی‌نمایاند.

فرخی و انگوتی (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «دلایل حضور و مشارکت زنان ایرانی در پیاده‌روی اربعین» ضمن مصاحبه با زائران زن مضامینی شامل مهدویت و آخرالزمان، مضامین تربیتی و اخلاقی، مضامین تبلیغی، مضامین فرهنگی و مضامین مذهبی و دینی شناسایی کرده است. برخی از مشارکت‌کنندگان دلیل حضور خود را معرفی امام‌زمان (عج) به مردم جهان می‌دانند و برخی دیگر بر این باورند که پیاده‌روی اربعین به خودسازی کمک می‌کند. عده‌ای از زنان مشارکت‌کننده نیز برای گرفتن حاجت‌های خود اقدام به پیاده‌روی می‌کنند.

وجه تمایز این پژوهش با مطالعات فوق این است که هویت اجتماعی زنان در کنش زیارت پیاده‌روی اربعین موردمطالعه نبوده است هرچند در مقالاتی که به نحوی تجارب زنان بیان‌شده است، ممکن است کدها و مطالبی بیان‌شده باشد؛ ولی سخن از هویت اجتماعی زنان در این پژوهش‌ها دیده نشد.

۲. چارچوب مفهومی

در چارچوب مفهومی این پژوهش، از نظرات گیدنز و جنکینز استفاده‌شده است. نظریات آنتونی گیدنز در مورد هویت ارتباط مستقیمی با بحث از مدرنیته دارد. وی وظیفه جامعه‌شناسی را به‌نوعی تحلیل مدرنیته می‌داند و معتقد است جوامع به سه دسته سنتی، مدرن اولیه و مدرن متأخر تقسیم می‌شوند. گیدنز سنت را شیوه‌ای برای سازمان‌دهی زمان می‌داند که پنج ویژگی را

برای آن برمی‌شمارد:

۱. رسانه جمعی سازمان‌دهی حافظه

۲. حاوی مناسک و شعائر

۳. حقایق کلیش‌های که کارایی علی به مناسک می‌دهد.

۴. پاسداران مفسر کننده سنت

۵. حاوی محتوای اخلاقی یا هنجاری الزام کنند (Kaspersen,۲۰۰۰,p۹۵-۹۶).

ازنظر گیدنز سنت در دروان مدرنیته مورد بازجویی قرار می‌گیرد و دچار تحلیل می‌شود؛ ازاین‌رو نمی‌تواند مبنای عمل قرار بگیرد. در جوامع سنتی زمان و مکان در پیوند با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ ولی در دوران مدرنیته این دو از هم جدا می‌شوند. گیدنز مدرنیته را نهادها و شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی می‌داند که از قرن هفدهم به بعد یعنی بعد از عصر فئودالی به وجود آمد و سپس به‌تدریج آثار آن گسترش یافت (گیدنز، ۱۳۸۰: ۳۳). وی مشخصه مدرنیته را وجود اصول ساختاری وسایل، مهار زمان و مکان پویا و نوظهوری که در سه مقوله قرار می‌گیرد: فاصله‌گیری زمانی مکانی، محاسبه زمان و مکان از مسائل حیاتی تمامی فرهنگ‌های بشری است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۲۳)؛ همچنین از جاکندگی یعنی کنده‌شدن روابط اجتماعی از محیط‌های محلی همکنش و تجدید ساختار این محیط‌ها در راستای پهنه‌های نامحدود زمان - مکانی و کنش اجتماعی در جوامع سنتی وابسته به زمان و مکان است؛ یعنی کنش میان دو نفر مستلزم هم حضوری یا به عبارتی حضور فیزیکی آن‌ها بود؛ اما در مدرنیته مکان و زمان تهی شده‌اند (همان: ۲۶). درنتیجه با افرادی که ازنظر فیزیکی غایب هستند، می‌توان کنش متقابل داشت. بدین معنی که به مدد فنّاوری‌های نوین ارتباطی این مرز برداشته‌شده است و افراد در دوران مدرن محدودیت زمانی و مکانی را برداشته‌اند

گیدنز معتقد است فرایند از جا کندگی به‌واسطه نظام‌های انتزاعی رخ می‌دهد. این نظام‌ها دودسته‌اند: نشانه‌های نمادین یعنی وسایل تبادلی که می‌توان بدون توجه به ویژگی‌های افراد یا گروه‌هایی که آن‌ها را به کار می‌برند، به گردش درآورد. ازنظر گیدنز این وسایل ارزش استانداردشده دارد و آن را در بافت‌های اجتماعی متفاوت مبادله کرد. نوع دیگری از این نظام‌ها، نظام‌های تخصصی‌اند یعنی نظام‌های انجام‌دادن کار فنی یا مهارت تخصصی که حوزه‌های وسیعی از محیط‌های مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را سامان می‌دهند (همان: ۲۳-۳۳).

بازاندیشی در نظر گیدنز کاربرد منظم اطلاعات و دانش‌های مربوط به شرایط زندگی اجتماعی به‌عنوان عنصری ساختاری در سازمان‌دهی و تغییر همان شرایط (همان: ۴۱) وی این مفهوم را از جامعه‌شناسی تفسیری و کسانی چون مید و گارفینگل اخذ کرده است. این بازاندیشی در نظرمید و دیگران به کنش‌های رودررو محدود است؛ اما گیدنز آن را از کنش‌های چهره‌به‌چهره به استفاده از دانش در جریان کنش گسترش داده است. بازاندیشی دوران مدرن تمام ابعاد زندگی مدرن تا ژرفای خود انسان امتدادیافته است. ازاین‌رو در چارچوب جوامع مدرن، خود جدید و دگرگونی یافته را باید از طریق کاوش‌های شخصی دریافته و آن را به‌عنوان بخشی از فرایند تماس متقابل بین تغییرات اجتماعی و شخصی ساخته و استوار نگاه داشت در دوران مابعد سنتی در برابر اشکال نوین تجربه باواسطه هویت شخصی به‌صورت رفتارهایی جلوه‌گر می‌شود که به طور بازتابی به وجود

می‌آیند. گیدنز جهانی‌شدن تغییرات و دگرگونی‌ها در زندگی شخصی و پیدایش جامعه پساسنتی را از ویژگی‌های مدرن و عوامل اثرگذار مدرنیته متأخر می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۳۲). ازنظر گیدنز تأثیرات جهانی‌شدن گرایش به تهی ساختن زمینه‌های محلی کنش دارند بدین معنی که این زمینه‌ها از یک‌سو از طرف افراد به نحو بازاندیشانه سامان پیدا کند و از سویی دیگر با تجدید سامان‌ها، فرایند جهانی‌شدن را مـتأثر می‌سازد. بدین گونه دگرگونی بزرگ در سراسر زندگی رخ می‌دهد و حتی بر هویت‌های شخصی افراد نیز اثر می‌گذارد؛ لذا افراد نمی‌توانند به هویتی خرسند باشند که به آن‌ها ارث رسیده یا بر اساس سن و جنسیت به آن‌ها داده‌شده است. از همین منظر گیدنز معتقد است که هویت شخصی باید کشف و ساخته‌شده و فعالانه زنده نگه داشته شود (همان: ۱۳۴)

جنکینز مانند گیدنز در مورد هویت شخصی و اجتماعی نظریه‌پردازی کرده و تلاش کرده‌اند در تحلیل هویت بر شکاف میان فرد و جامعه و کنش و ساختار پل بزنند و فرایندهای هویت‌یابی و هویت‌سازی ساختارهای اجتماعی تبیین کنند. جنکینز هویت را دارای دو معنای اصلی می‌داند. تشابه مطلق و تمایز مفهوم هویت به طور هم‌زمان میان افراد یا اشیا، دو نسبت محتمل برقرار می‌کند. ازیک‌طرف شباهت و ازیک‌طرف تفاوت از این، جهت فعل شناسایی به‌ضرورت لازمه هویت است این واژه وجه فعالی دارد که نمی‌توان از آن گذشت. وی هویت را به‌خودی‌خود امری «دم دست» نمی‌داند؛ بلکه آن را نیازمند تثبیت مداوم می‌داند. این نکته در کنار معانی بالا، این معنا را می‌افزاید «طبقه‌بندی‌کردن افراد و اشیا و مرتبط ساختن خود با چیزی یا کسی دیگر که معانی جایگاه هویت را در عمل و فرایند معین می‌کند» همین امر بیانگر درجه‌ای از بازاندیشی است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۶).

هویت مجموعه‌ای از اطلاعات بنیادی نیست که صرفاً «وجود دارد» بلکه باید به این امر توجه کرد که هویت «چگونه عمل می‌کند» یا «به کار گرفته می‌شود» و همچنین به فرایند بازاندیشانه بودن آن و به ساختار اجتماعی هویت در تعامل و به‌عنوان یک نهاد توجه کافی داشت؛ زیرا فهم این فرایندها برای درک این‌که هویت اجتماعی «چه هست» امری اساسی است. وی می‌گوید هویت را باید همچون یک فرایند «بودن» یا «شدن» فهمید (همان: ۷). جنکینز در زمره نظریه‌پردازان برساختی هویت است. بدین معنی که ازنظر او هویت اجتماعی، درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از طرفی درک دیگران از خودشان و افراد دیگر ازجمله خود ما چیست؛ بنابراین هویت اجتماعی نیز همانند معنا ذاتی نیست؛ بلکه محصول توافق و عدم توافق است و می‌توان در باب آن به چون‌وچرا پرداخت (همان: ۸).

جنکینز معتقد است اگر هویت را شرط ضروری حیات اجتماعی بدانیم، باید به امر قائل شویم که هویت فردی، جدای از سپهر اجتماعی دیگران فاقد معناست. این سخن بدان معناست که «خود» به‌صورت کامل در اجتماع ساخته می‌شود. به بیانی دیگر در فرایند اجتماعی شدن اولیه و ثانویه و در چارچوب آن‌ها، افراد در طول حیاتشان، خود و دیگران را تعریف و بازتعریف می‌کنند؛ یعنی نوعی دیالکتیک درونی - برونی شناسایی است که همچون فرایندی همه هویت‌ها را صورت‌بندی می‌کند. با مراجعه به این دیالکتیک است که می‌فهمیم آنچه دیگران درباره ما می‌اندیشند ارزش کمتری نسبت به آنچه خودمان درباره خودمان می‌اندیشیم نیست. منظور این است که تأکید خود شخص بر هویتش کافی نیست؛ بلکه تأییدشدن یا نشدن از سوی افرادی که با آن‌ها سروکار دارد نیز مهم

است؛ بنابراین باید گفت هویت اجتماعی امری یک‌سویه نیست (همان: ۳۷) لذا باید هویت‌ها را در همان محدوده‌شان یافت؛ یعنی در جایی که امر درونی و برونی دیالکتیک کنند. هویت گروهی در تعامل با دیگران و در همان زمینه‌اش که گروه است، ساخته می‌شود (همان: ۴۱). جنکینز با همین نظر می‌گوید هویت اجتماعی قابلیت تغییرپذیری و انعطاف دارد. وی علت این انعطاف‌پذیری را دیالکتیک شناسایی می‌داند که نظر به عدم قطعیت و پیش‌بینی‌ناپذیری زندگی، امری مفید و حیاتی است. با نظر به اینکه هویت‌های اجتماعی جنبه دوسویه دارد و از فرایندهای شناخت متقابل ریشه‌دار در موقعیت‌های اجتماعی، سر برمی‌آورد، می‌توان گفت هویت اجتماعی معمولاً اتفاقی موقت و تااندازه‌ای در قبال ناسازگاری و تناقض روادار است. هرقدر که دیالکتیک یک‌سویه‌تر باشد درباره هویت برآمده از آن کمتر می‌توان چون‌وچرا کرد و امکان عمل محدودتر است (همان: ۱۰۴). با توجه به پدیده جهانی‌شدن و سرعت فزاینده دگرگونی‌های اجتماعی، دیالکتیک امر درونی و برونی دوسویه‌تر شده لذا هویت‌ها بیش از گذشته، بازاندیشانه‌تر می‌شود؛ ازاین‌رو کسانی چون گیدنز و جنکینز وظیفه برساختگی آن را به خود افراد واگذار می‌کنند. هرچند زمینه‌های ساختاری و فرهنگی در این برساختی و بازتعریف هویت‌های فردی و اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند؛ ولی افراد در تعدیل این اثرات و بازاندیشی هویت نقش فعالان‌های دارند.

بنابراین، ازآنجاکه هویت‌یابی فرایندی دیالکتیکی است تحلیل هویت در باید کنار عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری آن، مطالعه کرد. به‌خصوص مقاومت افراد در برادر رده‌بندی‌های کلیشه‌ای که گاه مبتنی بر ساختار جنسیت، قومیت یا طبقه اجتماعی است. جنکینز می‌گوید هرچند افراد عموماً در برابر رده‌بندی‌های اجتماعی و هویت‌سازی‌های نهادی مقاومت نشان داده‌اند، اما توان این نوع مقاومت در همه افراد وجود ندارد. توان مقاومت و قابلیت بازاندیشی به سرمایه و منابع مادی و فرهنگی خود فرد نیز وابسته است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۸۹). حال با نظر به اینکه در این پژوهش هویت اجتماعی زنان در کنش زیارت مدنظر است، عوامل متعدد منجر به شکل‌گیری هویت شخصی و اجتماعی زنان در سفر زیارتی اربعین می‌شود که در این مطالعه برساخته می‌شود

۳. روش‌شناسی

در این مطالعه از شیوه پدیدارشناسی (pheonomenologhy) که ازجمله انواع روش‌های کیفی است (ایمان،۱۳۹۴: ۶) استفاده‌شده است. «تحقیق پدیدارشناسانه به تفهم ذات‌ها و ماهیت‌ها معطوف است نه تبیین متغیرها و روابط علی بین آن‌ها، این نوع تبیین بر پیش‌فرض وجود اختلال در واقعیت‌ها یا نیاز به اصلاح آن‌ها استوار نبوده، می‌تواند به هر نوع تجربه‌ای بپردازد» (همان). محقق در این مقاله، نظر به اینکه پارادایم تفسیری را پیش رو دارد، از فن هفت‌مرحله‌ای کلایزی با ابزار مطالعه و شیوه گردآوری داده‌ها به‌صورت مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته (محمدپور، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۰۷) بهره برده است. بدین جهت، با روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۱۷ نفر از دختران و زنان انتخاب شدند و در فرایند مصاحبه انفرادی و همچنین بهره‌گیری از گروه کانونی (Focus Group) داده‌ها به دست آمد.

نحوه استخراج کدها بدین صورت بود که ابتدا متن به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها بادقت موردمطالعه قرار گرفت تا محقق بتواند فهم کامل و جامعی از تجارب و احساسات و اظهارات

کنشگران جوان در پدیده موردمطالعه به دست آورد. در مرحله دوم جملات و واحدهای معنادار مرتبط با هویت اجتماعی استخراج شد. در سومین گام، تلاش شد تا معانی هر جمله مقوله‌بندی شود.

در مورد قابلیت اعتماد این پژوهش از شیوه‌های سه سویه‌سازی؛ چون گفتگوهای فردی و پژوهش‌های همسو مدد گرفته شد. قابلیت اطمینان سخنان و مصاحبه‌ها نیز از طریق ارجاع داده‌ها به اساتید در زمینه مورد تخصص انجام‌گرفته است؛ بنابراین متن داده‌های مکتوب، پس از خوانش‌های مکرر مقوله‌بندی شد. پس از دسته‌بندی کردن و تلفیق کدهای تکراری، با تشکیل دسته‌های جدید ۱۵۴ کد توصیفی (Descriptive cod) استخراج شد. سپس تمامی این کدها در قالب یک توصیف بسیار مفصل از پدیده موردمطالعه، تحت کدهای تفسیری (Interpretive cods) گردآوری شد. کدهای تفسیری شامل معانی است که به کدهای توصیفی داده می‌شود که پس از تلفیق آن‌ها ۹ کد تفسیری به دست آمد. در آخرین مرحله، کدهای تفسیری به ۴ کد تبیینی (Explanator cod) تقلیل یافت.

۴. تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های کیفی نشان داد که کنشگران و زنان تجربه خود از زیارت اربعین را در قالب معنای خاصی بازگو و توصیف می‌کنند. چهار کد تبیینی «خود تعلیقی»، «مشروعیت جستن از سوژگی زنان تاریخ شیعه» و «غیبت مشروع از فضای رسمی» و «عاملیت و زندگی در ظهور» هویت اجتماعی زنانه خود را برساخته می‌کنند.

۴-۱. خود تعلیقی

زنان در سفر اربعین رفتارهای فردگرایانه خود را در تعلیق قرار می‌دهند. این کد خود برگرفته از دو کد «رهاشدن از زندگی روزمره» و «کنارگذاشتن عادت‌ها» است. به تعلیق درآمدن روزمرگی‌ها و کنارگذاشتن همه عادات معمول زندگی، یکی از ویژگی‌های سفرهای زیارتی است که این امر برای زنان با نظر به تعلق به جایگاه و پایگاه معین و داشتن وظایف و نقش‌های از پیش تعریف‌شده، تجربه‌ای متفاوت بوده و در بازاندیشی هویت اجتماعی وی نقش مهمی دارد. هدیه ۲۱ساله دانشجو کارشناسی و مجرد تجربه خود را از سفر اربعین این‌گونه توصیف می‌کند:

من عادت دارم به فلان چیز و تأمین این عادت خواسته منه. اونجا (اربعین) عادت‌ها و خواسته‌های من تغییر می‌کنه.

یا عرفانه ۲۱ساله متأهل و دانشجو تجربه خود را از دور شدن از روزمرگی‌ها و کنار گذاشت عادت‌ها زیبا بیان می‌کند:

اصلاً انگار براش مهم نیست که این گوشی وقتی توی شهر خودش باشه ۲۴ ساعته یا نصف شبانه‌روز دستش هست و مثلاً واسه دعا خوندن و عکس‌گرفتن، روضه گوش‌دادن آدم فقط اونو در میاره.

زائران زن با کناررزدن روزمرگی‌ها، تمایزهای منزلتی را تجربه می‌کنند که بدان خرسند هستند. نازنین ۲۷ساله دانشجوی کارشناسی از این خرسندی این‌گونه سخن می‌گوید:

این‌قدر حس خوب توی این راه هست که وقتی برمی‌گردی حس می‌کنی دیگه زندگیت یه شکل دیگه شده یعنی یه حس خیلی خوب رو تجربه کردید الآن که برگشتی. حس می‌کنی یه روزمره‌ای اتفاق افتاده. لحظه‌شماری می‌کنی که بری و دوباره اون حس رو تجربه کنی.

هویتی که زنان در سفر زیارتی اربعین و مسیر پیاده‌روی برای بازنمایی خود مورداستفاده قرار می‌گیرد با تجربیات ارزش‌ها و نگرش‌ها انتظارات، اهداف، نیازهای جاری و دانش پس‌زمین‌های آنان در ارتباط است. خودی که در موقعیت‌های واقعی نمود می‌یابد، یا خود موقعیت یافته نسبتاً سیال و تغییرپذیر است؛ یعنی دارای ترجیحاتی تغییرپذیر است، اما خود آرمانی پایدارتر است؛ بنابراین خود آرمانی شخص که مبتنی بر ارزش‌ها و نگرش‌های او است هم در هویت نقشی مسلط و هم در هویت شخصی نفوذ دارد. الهام ۳۶ساله کارشناسی ارشد و خانه‌دار در تمایز میان سفرهای خود که یکی در پیاده‌روی اربعین و دیگری با هواپیما سفرکرده، خود تعلیقی را این‌گونه بیان می‌کند

همین‌که اون عادت‌های زندگی رو داره کنار میذاره، یک رنج است. مثلاً یه روز گرسنگی میکشه یا چند روز حمام نمی‌ره، تو خیابون میخوابه، یا پیاده رویش خیلی زیاد میشه یا مریض میشه و پاهاش تاول میزنه...

من تو سفر کربلا هوایی رفتم و VIP باید لذت بیشتری می‌بردم؛ ولی الآن که برگشتم من توی گرمای مردادماهم، دلم میخواد اونو تجربه کنم چون تو سفر پیاده‌روی یک «عبدالهی» داری، یعنی تو سختی تحمل می‌کنی انگار انتخاب کردی این سختی رو؛ ولی تو سفر VIP فقط ممکنه از سامرا تا کاظمین یک سختی بکشی.

۴-۲ مشروعیت جستن از سوژگی زنانه تاریخ شیعه

این کد برساخته دو کد «هم‌ذات‌پنداری با رنج مقدس» و «باز پذیرش خود» است. زنان زائر در پیاده‌روی اربعین، با تأسی به گفتمان رنج تاریخی شیعه، فرصتی برای دور شدن از نقش‌های کلیشه‌ای خود می‌یابند تا بتوانند با این مشروعیت جستن، هویت شخصی خود را کشف و برساخته کنند. گفتمان رنج به معنایی نزدیک به درک مفاهمه یک مؤمن معتقد به رنج انبیا و ائمه‌ﷺ نیز تجلی داشته است. این نوع مفاهمه نه‌تنها در ادبیات رنج عاشورا بلکه در ادیان دیگر ازجمله مسیحیت نیز نمود دارد. بدین معنی که گفتمان رنج مبتنی بر تصدیق بیماری و سختی به منزله رهایی برای شراکت در آلام مسیح (بوی، ۱۳۹۲: ۳۴۳) در زیارتگاه‌ها وجود دارد. پیاده‌روی نمادی از حرکت کاروان اسرای کربلا و رنج‌های برده شده در این راه است. در اینجا زائر «سوژگی زنانه» را دستاوردی تاریخی برای هم‌ذات‌پنداری خود در نظر گرفته تا بتواند مشروعیتی برای گذر از ابژگی باشد. این عمل زائر ناشی از نوعی نیاز برای نزدیک شدن به ذوات مقدس و همسان شدن با آنان است.

بازسازی تجربه تاریخی رنج مقدس در سفر زیارتی یک راه برای به ارمغان آوردن احساس متقابل بین زائران و بزرگان دینی است و به آن‌ها امکان می‌دهد تا از نزدیک باتجربه رنج مقدس آشنا شوند و از آن الهام بگیرند. این بازسازی‌ها همچنین نقشی در ایجاد ارتباط و اتحاد بین زائران دارند، زیرا با مشترک کردن تجربه رنج و سختی، احساس تعلق و همبستگی را تقویت می‌کنند. نکته مهم در تجربه بازسازی‌شده از سختی سفر، این است که در همه موارد با محوریت «زنانه» تفسیر

شده است؛ یعنی تجاربی برجسته می‌شد که یادآوری «برجستگی صبر حضرت زینب» در حوادث پس از واقعه عاشوراست؛ ازاین‌رو «تکرار مدام رویدادهای کربلا» با نگاهی زنانه محوریت دارد. چنانچه مریم ۲۹ساله که چند بار این سفر را تجربه کرده می‌گوید:

سفر اربعین یک سفر خاصی بود با سختی همراه بود. کوله داشتیم و سنگین بود؛ ولی وقتی می‌رفتیم گرم بود. گرما خیلی اذیت می‌کرد. دو روز آخر من آن‌قدر پایم درد می‌کرد که با عصا راه می‌رفتم. همین‌طور که اشک می‌ریختم دوستانمان هوای ما رو داشتند. این را تداعی می‌کردم و اینکه واقعه عاشورا که رخ داد و حجم عظیمی از مصیبت را داشتند و راه می‌رفتند و مردای غریبه آن‌ها را می‌زدند و ناروا می‌گفتند و کسی از آن‌ها حمایت نکرد.

زنان در کسب هویت اجتماعی، چون سوژه‌ای هستند که به‌واسطه توانایی خود از خود فردی، نقش‌ها و زیست جهان اجتماعی به سمت ساخت هویت جدید خودروی می‌آورند. تأسی به سوژه بودن زنان بزرگ تاریخ شیعه، این امر را مشروعیت می‌بخشد تا آنان با تغییر در فردیت و تبدیل زندگی شخصی خود به پروژه باز و گشوده، از طریق فرصت‌ها، امکان‌ها و تجارب جدیدشان خود را بازتعریف کنند. ریحانه ۲۲ساله که سومین سفر خود را بازگو می‌کند و دو سفر را به‌تنهایی رفته است می‌گوید:

شاید اگه می‌خواستم یه اردو بروم بهم اجازه داده نمی‌شد تنهایی برم ولی این سفر به راحتی خانوادم قبول کردند. خب وقتی می‌بینیم حضرت زینب بدون هیچ مردی یا حداقل بعد از کشته شدن امام حسین بدون یاور و پناه، بااینکه زن بود، تونست تنها و بی‌پناه این مسیر و بیاده و تازه حامی کل کاروان باشه بهم انگیزه می‌داد که نترسم ما هم میتونیم مثل حضرت زینب باشم

«باز پذیرش خود» کد دیگری است که زنان از طریق درک معنای سوژگی زن در تاریخ برای خود می‌سازند. زنان در این سفر با پذیرش خود و بازنگری در باورها و دیدگاه درباره هویتشان، به هویتی متفاوت از گذشته خود می‌رسند. هر زن برای خود دارای یک هویت منحصربه‌فرد است و این مهم است که این هویت را بپذیرند و با افتخار آن را نشان دهند. لیدا ۳۴ساله اولین بار است که پیاده‌روی اربعین را تجربه می‌کند اول این‌گونه می‌گوید:

اولش اصلاً فکر نمی‌کردم من بتونم این‌همه مسیر رو پیاده برم. اصلاً مگه من تا حالا از این کارا کرده بودم.

اینکه من خودمو تا این حد می‌شناختم که تا حالا نه این‌قدر اذیت شده بودم و نه سختی‌کشیده بود و فکر نمی‌کردم تا این حد کشش داشته باشم. الآن هر روز لحظه‌شماری می‌کنم که سال بعد بیاد و من دعوت بشم به اربعین. خودمم باورم نمیشه.

زنان زائر همچنین با نگاهی نقادانه و بازاندیشانه به هویت کلیشه‌ای خود و همچنین نقش‌های معین جنسیتی، خانوادگی و اجتماعی، از طریق بازسازی سفر حضرت زینب و کاروان اسرا از کربلا به شام و باز پذیرش خود و با نظر به نقش‌آفرینی جدید خود، ساخت تازه‌ای از هویت اجتماعی را رقم می‌زنند.

۳-۴. غیبت مشروع از فضای رسمی و نقش‌های جنسیتی

شکل‌گیری هویت یا به تعبیر هویت‌یابی فرایندی دیالکتیکی است که همه عوامل اجتماعی در

بستر آن باید موردمطالعه قرار گیرد؛ به‌خصوص مقاومت افراد در برابر رده‌بندی‌های کلیشه‌ای که گاه مبتنی بر ساختار جنسیت، قومیت یا طبقه اجتماعی است. نقش‌های کلیشه‌ای مادر بودن، همسر بودن یا حضور در حرفه و شغل رده‌بندی‌های اجتماعی و نهادی است که در سفر پیاده‌روی اربعین شکسته می‌شود یا به بیانی دیگر زنان با سفر خود از این نقش‌ها و فضاها فاصله می‌گیرند. این کد برگرفته از دو کد «کنارزدن خود کلیش‌های» و «باور داشت تازه هویت» است.

«کنارزدن خود کلیشه‌ای»: زیارت پیاده‌روی اربعین، به‌مثابه موقعیتی است که زنان ایرانی از طریق آن، تجربه هویت اجتماعی خود را می‌سازند. زنان به‌عنوان سوژه‌های هستند که به بازاندیشی هویت اجتماعی خود پرداخته درحالی‌که قبل از آن، در تجربه زندگی روزمره و معمولی خود در نقش‌های جنسیتی، خانوادگی و به لحاظ موقعیت شغلی نیز در این‌گونه نقش‌ها هویتی دیگر داشتند. پروین ۲۸ساله و کارمند می‌گوید:

خب طبیعی بود که مرخصی ده روز یه جورایی نشدنی بود. خب بگم چی میخوام برم پیاده‌روی؟ اولش از اینکه ده روز بخوام مرخصی بگیرم با اینکه هیچ مرخصی نداشتم سخت بود. کار من جوری بود که اگه خودم کارمو انجام نمی‌دادم نمی‌شد کسی به جام انجام بده. پر از استرس بودم که اگه برم چی میشه. تمام مدت سفر به خودم می‌گفتم کاش زودتر اومده بودم.

زهرا ۳۹ساله که این سفر را برای اولین بار رفته می‌گوید:

اولش خانودم (همسرم) قبول نمی‌کرد که من ده روز همه رو بذارم و برم. ولی من این کار رو کردم از اینکه آدم برا مدتی از سرویس دادن به خانواده خودشو دور کنه و آدم خودش باشه، حس خوبی داشتم. سعی کردم تو سفر دلمو آروم کنم و نگران کسی نباشم. به نظرم (الان که اینجام اینو میگم) چقدر می‌شد ما متفاوت زندگی کنیم و نکردیم.

زنان در تجربه پیاده‌روی اربعین با کنار زدن موقتی موقعیت‌های ازپیش‌تعیین‌شده، در ساختار هویت‌سازی موجود در جامعه دست به تغییر می‌زنند. اگرچه همه افراد عموماً در برابر رده‌بندی‌های اجتماعی و هویت‌سازی‌های نهادی، توان این نوع مقاومت را ندارند؛ ولی محدثه ۳۳ساله کارشناسی ارشد حقوق که توانسته بودند با تکیه بر سرمایه و منابع مادی چون سطح تحصیلات یا تأسی به پایگاه اجتماعی خود به مقاومت در این زمینه بپردازند، این‌گونه تجربه خود را توصیف می‌کنند:

تو جامعه ما خیلی خوبیت نداره که زن تنهایی بره سفر اونم پیاده. تازه من که متأهل بودم و رفتم بعضیا بهم می‌گفتن نباید تنها می آومدی درست نیست. شاید شوهرم هم اگه زیاد گیر می‌دادم همینو می‌گفت ولی من یه خورده شرایطم فرق داشت چون تو خانواده ما زن تنهایی همه‌جا می تونه بره یا اینکه من چون شاغلم و یه جایگاهی تو جامعه دارم خیلی گیر نداشتم. میگم این سفر رو رفتم ولی دوستم هر چه خواست با من بیاد باباش نذاشت گفتن دختر تنهایی رفتنش اونم تو این سفر سخت، درست نیست.

«باورداشت تازه هویت»: تحمل رنج در مسیر زیارتگاه‌ها یا سفرهای زیارتی به معنای پذیرش و تحمل دشواری‌ها و سختی‌هایی است که در طول این مسیر ممکن است به وجود آید. این رنج و سختی‌ها ممکن است شامل عوامل مختلفی مانند فاصله طولانی، شرایط آب‌وهوایی نامساعد، زمان برگزاری سفر در شرایط دشوار، عدم راحتی‌های فیزیکی، محدودیت‌های مالی و زمانی و

تنش‌های روحی و ذهنی باشد. «باور داشت تازه هویت» یک از اهداف غایی سفر اربعین است؛ بدین معنی که سفر زنانه می‌تواند به‌عنوان فرصتی برای خودشناسی و پیداکردن معنای زندگی در نقاط مختلف جهان عمل کند. زنان ممکن است در مسیر سفرهای خود با مسائل مربوط به هویت، اهداف زندگی و ارزش‌های خود روبه‌رو شوند و باعث شوند تا به شکل عمیق‌تری در مورد خود و جهان بیندیشند. این باور به خود که بیانگر هویتی تازه است در سخنان لیلا ۳۳ساله مجرد و کارشناس بیمه این‌گونه ذکرشده است:

من ساق پام توی پیاده‌روی گرفت. شوهرم گفت تو با این پا نمی‌تونی بیای. جالب اینکه من روی پاهام کم حساب کرده بودم. مثل اینکه من روی توان روحیم کم حساب کرده بودم. کم‌صبری کمتری نسبت به خدا داشتم. این به آدم خیلی انرژی میده به یک باوری به خودش می‌رسه.

مریم ۴۱ساله خانه‌دار و دارای دو فرزند که تاکنون سه سفر را به‌صورت پیاده‌روی اربعین تجربه کرده است، سفر را موقعیتی می‌داند که خود را محک بزند و بتوان به باوری از خود برسد که در کنش اجتماعی او سبب‌ساز هویت اوست:

ما جون یک تاول رو نداریم. ما جون یک حال به هم خوردن رو نداریم. ما می‌خوایم همیشه همه چی اوکی باشه. می‌خواستم ببینم واقعاً هستم یا دارم شعار میدم.

۴-۴. عاملیت و زندگی در ظهور

زنان در پیاده‌روی اربعین از طریق مشارکت در یک کنش جمعی، خود را در موقعیت عاملانی می‌بینند که با اعتقاد به چنین مسیری، خود را دارای موقعیت اجتماعی خاصی می‌دانند. آنان با این عمل خود را نسبت به دیگران دارای منزلت و اعتبار بیشتری می‌دانند. این موقعیت با این عمل، با القای معنی دینی و قدسی بدان، بر اعتبار و منزلت اجتماعی آن می‌افزاید. در این مسیر زنان در نقش‌های جدیدی خود را قرار می‌دهند و از این طریق خود را به گروه بزرگ‌تری که «عاملیتی در ظهور» دارد، متعلق می‌دانند. این کد برگرفته از کدهای «باورمند به آینده»، «عرصه کنشگری» و «تلقی امن شدن عرصه عمومی» است.

«باورمند به آینده»: نظر به اینکه هویت شخصی در دیالکتیک درونی و برونی ساخته می‌شود و فرد به هویت به ارث رسیده یا هویت جنسی از پیش تعیین‌شده خود، خرسند نیست، زنان در این سفر با طی مسیرهای طولانی گاه بدون خانواده، خود را بخشی از پروژه عظیمی می‌دانند که قرار است در آینده نقش‌آفرینی کند. الهام ۳۶ساله کارشناسی ارشد و خانه‌دار این‌گونه می‌گوید:

اینکه میگن اربعین یه رزمایشه هرساله داره اتفاق می‌افته برای زمانی که آقا (امام زمان) آماده‌باشیم، دقیقاً همینه اونجا اینا رو درک می‌کنی. منم اونجا دقیقاً همین حس رو که نه واقعاً باورم این بود که من قطره‌ای از دریای ظهورم. حتی وقتی میگن سفر اربعین یه نمونه از زندگی در ظهور است همینه. یک نوع تربیت قبل از ظهور است. وقتی امام میاد ما باید وارد خدمات امام بشیم نه اینکه منتظر باشیم امام برای ما کاری کنه.

«عرصه کنشگری»: همچنین زنان در مسیر پیاده‌روی اربعین از طریق ظاهرشدن در نقش‌های جدید، با کمک به دیگران مدد خواه در سفر، پشتیبانی از رنج‌دیدگان مسیر، خود را در ارائه خدمات

اجتماعی سهیم می‌دانند که این امر به زنان در بازیابی هویت کمک کند. زنان همچنین به بهره‌گیری از قدرت جمعیت، مشارکت در گروه بزرگ‌تری را تجربه می‌کنند که این مشارکت در جمع، اساس هویت دینی و اجتماعی آنان را تقویت کرده یا گاه موجب برساخت تازه‌ای هویت در زنان می‌شود. ریحانه ۴۲ساله و مادر دو فرزند کارمند، پیاده‌روی اربعین را عرصه کنشگری می‌داند و این‌گونه بیان می‌کند:

هرکسی اونجا حس می کنه باید کاری انجام بده. اگر توی موکب وقت خواب، یکی گریه می‌کنه در حالت عادی کفر آدم در میاد؛ ولی اونجا همدیگر رو کمک می‌کردند و بچه رو بغل می‌کردند که گریه نکنه. احساس می‌کردیم که یک خدمتی به امام حسین می‌کردیم، این حس همه بود.

برقراری ارتباط با زنان دیگری که در پیاده‌روی اربعین شرکت می‌کنند، می‌تواند به زنان کمک کند تا از تجربیات یکدیگر استفاده کنند و در محیطی پشتیبان دهنده قرار بگیرند. این ارتباط می‌تواند احساس همبستگی و قدرت را برای زنان در مسیر پیاده‌روی اربعین افزایش دهد و در ساخت هویت اجتماعی آنان مؤثر باشد. الهام ۳۶ساله کارشناسی ارشد و خانه‌دار، هر کنش خود را ادای دینی می‌داند که در برابر حسی برتر باید انجام دهد:

توی روزمرگی هر کاری می‌کنی برای خودم می‌کنم؛ ولی تو روزمرگی سفر اربعین هر کاری می‌کنی احساس می‌کنی برای یک فرد بزرگ این کار رو می‌کنی.

«تلقی امن شدن عرصه عمومی»: کد دیگری که در تجربه زیسته زنان زائر می‌تواند به‌عنوان مؤلفه هویت‌ساز در اجتماع بدان اشاره کرد این است که در تلقی و تجربه زنان، مسیر اربعین دیگر همچون گذشته ناامن نیست. این امر موجب می‌شود تا عرصه برای عاملیت زنان بیشتر شود و بر حضور خود به‌عنوان سوژه‌های اثرگذار در فرایند جهانی ببینند. فاطمه ۲۲ساله دانشجو س امنیت خود را با این عبارت بیان می‌کند:

اصلاً از این‌که شب‌ها داری پیاده این مسیر رو میری نمی‌ترسی. حس می‌کنی تمام مسیر رو خود آقا داره باهات میاد. بی‌ترس میتونی بری خونه خادمان آقا و استراحت کنی. من وقتی ایران بودم هیچ‌وقت تنها بیشتر شش شب جرئت ندارم بیرون باشم ولی اونجا که میری اصلاً حس بد نداری

تا قبل از اینکه پیاده‌روی اربعین عرصه کنشگری زنان نیز شود، بیرون از محیط خانه، امنیتی نبود. این تلقی مانعی بر حضور اجتماعی زنان بود. زنان زائر در سفر پیاده‌روی خود، ذهنیت ناامنی و همچنین خاطره ناامنی و برخوردهای جنسیتی در دوران جنگ را تعلیق کرده و امنیت خود را با «سیطرگی دیگری حاضر» برای خودشان این‌گونه تفسیر می‌کردند:

یادمه یه شب تو موکب‌ها جا گیرمون نیومد بخوابیم، دو تا بچه همرام بود. خیلی خسته بودیم. یه مرد میان‌سالی اومد و گفت «مبیت...مبیت». خواهرم گفت من نمیام می‌ترسم شب خونه کسی بخوابم. معلوم نیست چی سرمون میاد. بهش گفتم وقتی امام حسین﵇ خودش ما رو دعوت کرده خودش هم حواسش بهمون هست.

آنان زیارت در مسیر پیاده‌روی اربعین را با نظر به همین حضور قدسی معصوم﵇، درک می‌کنند و با تغییر یا تعلیق ذهنیت و باورهای جنسیتی بازمانده در حافظه تاریخی ناشی از ناامنی‌ها، در پناه رنج سفر، دامنه آگاهی در افق‌های اسطوره‌ای دین‌شناسانه را برای بازسازی هویتی دیگر به‌عنوان کنشگران آینده بر می‌سازند.

نتیجه‌گیری

جامعه ایران، جامعه‌ای در حال تغییر و دگرگونی است که بانفوذ مدرنیته، ساختارهای آن از فرهنگی، عقیدتی تا سطح باورها، اهداف، نیات، انگیزه‌ها و تعهدات نیز دستخوش تغییر شده ست. تحولات فرهنگی و ارزشی با فرایند جهانی‌شدن و تکثر زیست‌جهانه‌ای اجتماعی، پیامد این تغییر و دگرگونی در دهه‌های اخیر است. پیامدهای این تحولات در رابطه با هویت کلی و فراگیر بود؛ اما در رابطه با هویت زنان از جنبه به چالش کشیدن کلیشه‌های جنسیتی و ساختارهای سنتی چشمگیر است. زنان دیگر هویت خود را دادهای طبیعی ندانسته بلکه بر برساخته بودن آن در سطح فرهنگی و اجتماعی نظر افکنده، خواهان شکل‌دادن به هویت خویش بر مبنای تمایلات، ارزش‌ها و انگیزه‌های خود هستند.

در همین فرایند تغییر هویت و برساخت هویت‌های جدید زنان، «زیارت» عرصه‌ای است که از دیرباز در قالب زنانه به‌صورت غیرملموس هویت زنان را متأثر می‌ساخت. زیارت زنان یا به تعبیری «زیارت زنانه» زیارتی است که زائران با ویژگی‌ها، نیازها، مناسک و روش‌های زنانه انجام می‌دهند. هویتی مستقل در زیارت بافرهنگ زیارتی ویژه در کنار فرزندان، دوستان و آشنایان را رقم می‌زنند. «زیارت زنانه» بیان یک سنخ خاصی از زیارت است که به‌واسطه عناصر محیطی، فرهنگی، دلایل انجام کنش توسط کنشگران، کارکردها، آسیب‌ها، پیامدها، کاربست و.. موردتوجه قرار می‌گیرد و امروزه نیز این نوع زیارت بیش‌ازپیش مورد استقبال و فزونی از سوی قشر زنان واقع گردیده است.

زنان در دهه اخیر این زیارت را با حضور در پیاده‌روی اربعین انجام می‌دهند. پیاده‌روی اربعین مراسم مذهبی و معنوی است که هرساله میلیون‌ها نفر، ازجمله زنان، به سمت کربلا در عراق سفر می‌کنند. برای زنانی که در این سفر شرکت می‌کنند، این تجربه می‌تواند یک فرصت برای بازیابی هویت و نزدیک‌تر شدن به اعتقادات و ارزش‌های خود باشد. زنان می‌توانند بامطالعه و بررسی عمیق‌تر درباره معانی و مفاهیم مذهبی مراسم اربعین، هویت خود را بازیابی کنند. درک عمیق‌تر از اعتقادات و معتقدات مذهبی می‌تواند احساس ارتباط بیشتری با دین و هویت مذهبی به همراه داشته باشد.

زنان زائر در سفر پیاده‌روی اربعین هویت اجتماعی خود را از طریق «خود تعلیقی»، «مشروعیت جستن از سوژگی زنانه تاریخ شیعه» و «غیبت مشروع از فضای رسمی» و «عاملیت و زندگی در ظهور» برساخته می‌کنند.

تجربه زنان زائر در پیاده‌روی اربعین، کنشی است که زنان سوژگی خود را با گریز از محیط‌های رسمی به سوی محیطی غیررسمی در دیالکتیک میانه این دو فضا بر می‌سازند. زنان در فضای رسمی خود در زیستی روزمره در نقش‌ها و سلسله‌مراتبی از پیش تعیین شده قرار دارند که با پیاده‌روی اربعین فرصتی برای برکندگی از کلیشه‌ها فراهم می‌شود؛ بنابراین کنش زیارت، زنان زائر را از محیط‌های کلیشه‌ای و ساختارهای سنتی برکنده و آنان را در زمان و مکانی خاص بدون مرزبندی‌های از پیش تعیین شده قرار می‌دهد تا بتوانند «خود تعلیقی» را تجربه کنند.

از دیرباز «بازسازی تجربه تاریخی» در ادبیات مذهبی شیعه، در قالب داستان‌ها، شعرها، مناجات و میراثی به تصویر کشیده می‌شود. این بازسازی‌ها به‌تفصیل درباره رنج و سختی‌هایی

است که بزرگان دینی و اهل‌بیت عصمت و طهارت﵈ در طول تاریخ تحمل کرده‌اند و ارتباط مستقیم با زیارتگاه‌ها و مراکز مقدس دارند. یکی از مثال‌های برجسته این بازسازی‌ها، مرتبط با روایت‌های مربوط به شهادت ایشان در عاشورا است. در این روایت‌ها در کنار رنج و سختی‌هایی که حضرت امام حسین﵇ و یاران ایشان در مسیر مقدس کربلا تحمل کردند، کنش پررنگ «سوژگی زنانگی» برای بازاندیشی در نقش‌های تازه، در معنابخشی به تجربیات زنان در سفر اربعین هویت‌ساز است. آنان با تأسی به سوژگی زنان تاریخ شیعه و هم‌ذات‌پنداری با اسرای کاروان کربلا، از ابژگی خود دوره شده، هویتی اجتماعی تازه را تجربه کنند. زنان در کنش پیاده‌روی اربعین، باور داشت‌های پیشین خود را از قابلیت و توانایی مورد بازنگری قرار داده خود را عاملیتی در ظهور تجربه می‌کند که در اثر این کنش، پیاده‌روی اربعین عامل بازاندیشی محسوب می‌شود.

کتاب‌نامه

اثنی‌عشران، ندا (۱۳۹۹). «بررسی انسان‌شناسی پدیده زیارت زنانه (مطالعه موردی امام‌زاده محسن بن موسی بن جعفر)». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. قم: دانشگاه باقرالعلوم قم.

اخلاقی، محمد یونس (۱۴۰۰). «بررسی تاریخی و روند پیدایش و تطور پیاده‌روی زیارت اربعین امام حسین». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. قم: مجتمع آموزش عالی فقه جامعه المصطفی العالمیه.

امین، سید حسن (۱۳۹۵). ***دایره المعارف الاسلامیه الشیعه***. ج ۱۳ . بیروت: دار صادر.

امین، محسن (۱۳۸۶). ***کشف الارتیاب***. قم: دارالکتاب الاسلامی.

ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰). ***مبانی پارادایمی روش‌های کیفی و کمی تحقیق در علوم‌انسانی***. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

آبوت، پاملا و والاس، مکر (۱۳۸۰). ***جامعه‌شناسی زنان***. مترجم منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.

برگر، پیتر (۱۳۹۷). ***سایبان مقدس***. تهران: نشر ثالث.

برگر، پیتزال، لوکمان، توماس (۱۳۷۵). ***ساخت اجتماعی واقعیت***. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

بوربور، اکرم؛ تاجیک اسماعیلی، سمیه (۱۴۰۰). «تحلیل وضعیت هویت اجتماعی زنان شهر تهران بر اساس استفاده از رسانه‌های اجتماعی و متغیرهای زمین‌های». ***نشریه رسانه***. شماره ۱۲۵.

بوی، فیونا (۱۳۹۲). ***مقدمه‌ای بر انسان‌شناسی دین***. ترجمه مهرداد عربستانی. تهران: نشر افکار.

پویا فر، محمدرضا (۱۳۹۸). «پدیدارشناسی تجربه زیارت (مطالعه‌ای در حرم امام رضا)». ***فصل‌نامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی***. سال بیست و ششم. شماره ۸۵.

تاج‌بخش، غلامرضا (۱۳۹۹). «پیاده‌روی اربعین و معنایابی کنش زیارت زائران جوان». ***نشریه تحقیقات فرهنگی ایران***. شماره ۲۴

تقی‌زاده داوری، محمود (۱۳۹۷). «نگاهی به جامعه‌شناسی زیارت». ***مجله معرفت***. شماره ۴۵.

تیموتی و آلن جی، السن، دانیل جی (۱۳۹۲). ***گردشگری دین و سفرهای معنوی***. ترجمه محمد قلی‌پور و احسان مجیدی فرد. تهران: نشر جامعه‌شناسان.

جنکینز. (۱۳۸۱). ***هویت اجتماعی***. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: نشر شیراز.

حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۶). ***معارف و معاریف***. ج ۶. قم: دارالفکر.

رضوی زاده، ندا (۱۳۹۶). «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق (موردمطالعه: پیاده‌روی اربعین آذر ۱۳۹۳ عراق)». ***مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران***، دوره ششم. شماره ۴.

رفعت جاه، مریم، رهبری، لادن (۱۳۹۳). «گونه‌شناسی اکتشاف برداشت از مفهوم زنانگی». ***مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران***، دوره سوم شماره ۲.

ریتزر، جورج. (۱۳۸۲). ***نظریه‌های جامعه‌شناسی دوران معاصر***. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی

ساروخانی، باقر، رفعت جاه، مریم (۱۳۸۳). «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی». ***نشریه جامعه‌شناسان ایران***، دوره ۵ پنجم شماره ۲.

عموزاده، محمد؛ اسفندیاری، نسیم (۱۳۹۱). «بازنمون هویت اجتماعی در رسانه: بررسی روند

تغییرات هویت اجتماعی زنان در سینمای پس از انقلاب». ***زن در فرهنگ و هنر***. دوره چهارم. شماره ۳.
غفاری هشجین؛ زاهد، آقایی، محمد (۱۳۹۷). «پیاده‌روی اربعین به‌مثابه جنبش اجتماعی»، ***نشریه دانش سیاسی***. شماره ۲۷.
فرخی، میثم؛ زینب، انگوتی (۱۳۹۱). «دلایل حضور و مشارکت زنان ایرانی در پیاده‌روی اربعین». ***نشریه مطالعات راهبردی بسیج***. شماره ۸۵.
فروغی، یاسر؛ سراج زاده، سید حسین؛ نبوی، سید حسین (۱۳۹۹). «مطالعه کیفی انگیزه‌های زائران ایرانی شرکت‌کننده در آیین پیاده‌روی زیارت اربعین». ***نشریه دین و ارتباطات***، شماره ۵۷.
فولادی، محمد؛ نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۴). «جایگاه زیارت در آیین کاتولیک و مذهب شیعه (بررسی و مقایسه)». ***مجله معرفت ادیان***. شماره ۲۵.
قبادی، علیرضا؛ سعیدی، کمال؛ سعیدی، مژگان (۱۳۹۴). «تفسیر اجتماعی فرهنگی امر زیارت در امامزاده‌های شهر تهران». ***دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و ران شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی***. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت رضوی. مؤسسه آموزش عالی مهر الوند. مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
کرمی قهی، محمدتقی (۱۳۹۹). «فهم تجربه پیاده‌روی زنان ایرانی در اربعین». ***نشریه علوم اجتماعی***. شماره ۹۱.
کلبر، لوتز (۱۳۹۲). «الگوهای سفر از سفرهای زیارتی قرون‌وسطی تا سفرهای دوران پست‌مدرن، تیموتی». ***گردشگری، دین و سفرهای معنوی***. ترجمه محمد قلی‌پور و احسان مجیدی فرد. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
کوئن، بروس (۱۳۹۵). ***مبانی جامعه‌شناسی***. تهران: انتشارات سمت.
گرت، استفانی (۱۳۸۰). ***جامعه‌شناسی جنسیت***. ترجمه کتایون بقایی. تهران: دیگر.
گروسی، اکرم (۱۳۹۹) «مردم‌شناسی زیارت زنان (مطالعه موردی: زنان زائر در حرم حضرت عبدالعظیم ﷺ». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. دانشگاه علامه طباطبایی.
گولومبوک، سوزان، فی وش، رابین (۱۳۷۸). ***رشد جنسیت***. ترجمه مهرناز شهرآرای. تهران: ققنوس
گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). ***تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید***. ترجمه ناصر موفقان. تهران: نشر نی.
گیویان، عبدالله (۱۳۹۰). ***مردم‌شناسی اجتماعات دینی***. تهران: نشر دانشگاه امام صادق ﷺ.
محمدپور، احمد (۱۳۹۰). ***روش تحقیق کیفی ضد روش***. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
مهری، ب‌هار (۱۳۸۲). «نذر و هویت اجتماعی». ***نشریه مطالعات جامعه‌شناختی***. شماره ۲۴.
نصر، سید حسین (۱۳۸۶). ***دین و نظم طبیعت***. ترجمه انشا الله رحمتی. تهران: نشر نی.
واخ، یواخیم (۱۳۸۹). ***جامعه‌شناسی دین***. ترجمه جمشید آزادگان. تهران: نشر سمت.
ورشوی، سمیه؛ بهروان، سین؛ صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۹۷). «تجربه پیاده‌روی مقدس (معنای دوگانه معنوی - دنیوی در تجربه سفر پیاده زائران به مشهد در ایام شهادت امام رضا ﷺ». ***مجله راهبرد فرهنگ***. شماره ۴۱.

فصل نامه علمی مطالعات بقاع و اماکن متبرکه

هام، مگی؛ کمیل، سارا (۱۳۸۲). ***فرهنگ نظریه‌های فمینیستی***. ترجمه فیروزه مهاجر و دیگران. تهران: توسعه.

همیلتون، ملکم (۱۳۸۷). ***جامعه‌شناسی دین***. تهران: نشر ثالث.

هولمز، ماری (۱۳۸۶). ***جنسیت در زندگی روزمره***. ترجمه محمدمهدی لبیبی. تهران: افکار.

الیاده، میرچا (۱۳۷۵). ***مقدس و نامقدس***. تهران: نشر سروش.

یعقوبی، علی (۱۳۹۳). ***نظریه‌های مردانگی با تأکید بر رویکردهای جامعه‌شناختی***. تهران: پژواک.

Morinis, Alan (1992) ***Introduction: the territory of anthropology of pilgrimage. In Alan Morinis (ed.) , Sacred Journeys: the Anthropology of Pilgrims. Westport, CT and London: Greenwood Press***, pp. 1-28.

Kaspersen, L. Bo (2000), ***Anthony Giddens, an introduction in a social theorist***, Blackwell publishers

فصلنامه علمی مطالعات فلسفی و کلامی